

خشونت نهادینه و نهادهای متولی در نظام ج.ا.ا.

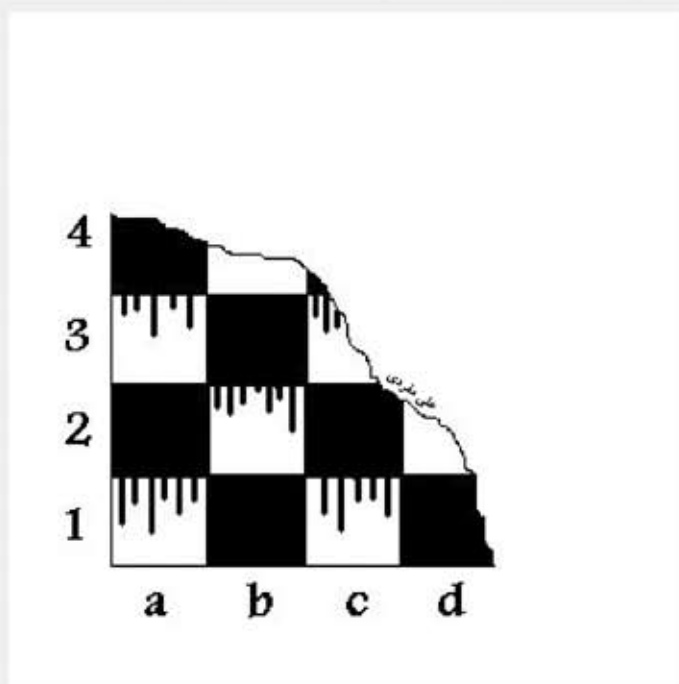
مجتبی ابریشمی
دانشجوی پزشکی مشهد

(سازمانهای سیاسی) شورشهای منطقه‌ای (توده‌های قوی) می‌باشد. فرجام خشونت در چنین سطحی عمدتاً تغییر حکومت یا سرکوب سازمانهای مخالف یا گروه‌های اجتماعی معترض است. اشکال و فرجام خشونت در سطح (ج) بستگی به ماهیت گروه‌ها، اهداف و شیوه‌ها و ابزار منازعه دارد. در مجموع فرجام خشونت در چنین سطحی منازعات گروهی - اجتماعی طولانی مدت و نهایتاً جنگهای داخلی فرسایشی و ویرانگر می‌باشد.

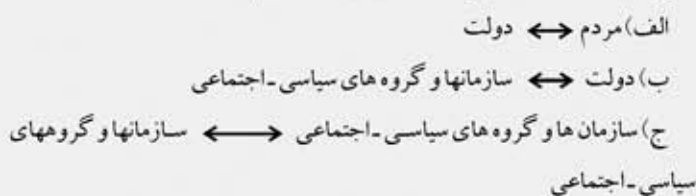
بر اساس رهیافت ارائه شده از سطوح وقوع خشونت سیاسی و نیز منابع خشونت می‌توان به طور نسبی و با تسامح ابعاد مختلف خشونت در جمهوری اسلامی ایران را بر اساس جدولی که پژوهشگر در مطالعات راهبردی ارائه می‌کند در سه دوره حساس تاریخی بدین صورت تبیین کرد.

مقطع تاریخی	سطح وقوع خشونت سیاسی	منبع اصلی خشونت
دوره اول ۱۳۶۱-۱۳۵۷	سطح (ب)	سازمانهای سیاسی، گروههای اجتماعی (فوق منطقه‌ای)
دوره دوم ۱۳۷۹-۱۳۶۰	سطح (الف)	توده‌های اجتماعی ضدتأسیس (آشوب و شورش شهری سرسری)
دوره سوم ۱۳۹۶-۱۳۷۹	سطح (ج)	گروههای پنهان

این جدول به سادگی منابع و سطوح خشونت‌های عمده را در تاریخ ۲۵ ساله نظام ج.ا.ا. نشان می‌دهد. البته منابع متعدد دیگری نیز در جامعه وجود دارد که در



در یک کشور منابع اجتماعی خشونت سیاسی عمدتاً دولت، سازمانها و گروههای سیاسی - اجتماعی، مردم یا توده‌ها می‌باشند و در یک نمودار ساده کیفیت وقوع این پدیده را در سطوح فوق چنین می‌توان ترسیم کرد:



البته به غیر از این سه سطح خشونت سیاسی، سطوحی دیگر نیز قابل تصور است که چندان شایع نیست مانند خشونت بخشی از دولت علیه بخش دیگر یا خشونت سازمانهای سیاسی و گروههای اجتماعی علیه مردم. همچنین در جوامع در حال گذار به ملت سازی - دولت سازی و پس از انقلابها و تغییرات گسترده سیاسی - اجتماعی ممکن است ترکیبی از این سطوح خشونت دیده شود.

در دوره‌ی دوم مطالبات پس از جنگ، باز شدن نسبی فضای سیاسی، روی آوردن به سازندگی و تغییر جو حاکم بر کشور، مطالبات اعتقادی برخی گروهها، عدم سرکوب برخی گروهها که شائبه گروه فشار سیاسی ایجاد نمودن حکومت را تقویت می‌نمود و بعضی مشکلات اقتصادی باعث و بانی این اتفاقات گردید

وقوع خشونت در هر یک از این سطوح دارای پیامدها و فرجام‌های متفاوتی برای ثبات سیاسی و نظم اجتماعی می‌باشد.

وقوع خشونت در سطح (الف) در برگیرنده اشکال مختلفی مانند اعتصابات صنفی، اعتراض‌ها و تظاهرات خیابانی، آشوب‌ها و شورش‌های اجتماعی و اعمال تروریستی می‌باشد که انقلاب سیاسی - اجتماعی، حادترین شکل خشونت در این سطح می‌باشد و فرجامهای مختلف خشونت در این سطح می‌تواند دگرگونی نظام سیاسی و اجتماعی، قتل عام توده‌های مردمی و اختناق سیاسی باشد.

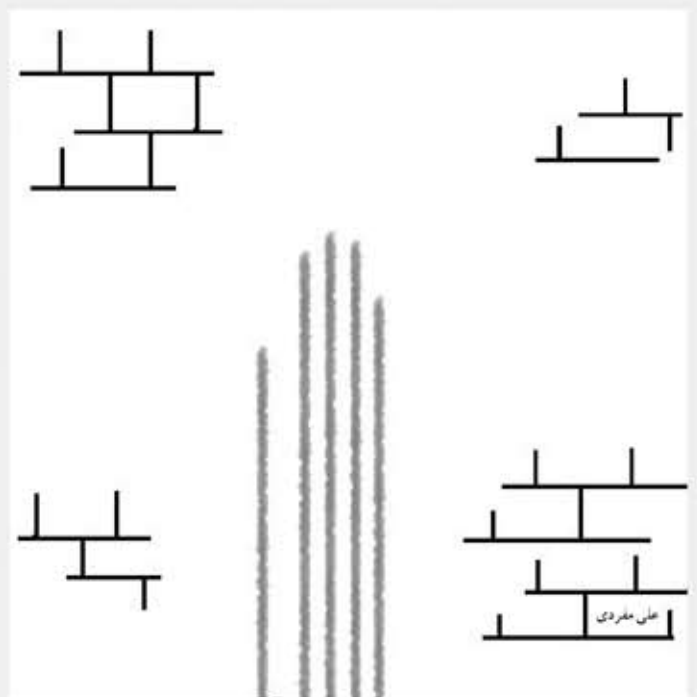
وقوع خشونت در سطح (ب) منجر به بی‌ثباتی‌های سیاسی - اجتماعی کوتاه مدت و دارای اشکال مختلفی مانند حُرکت‌های تروریستی، توطئه و کودتا

این مجال فقط عمده‌ترین‌ها ذکر گردیده‌اند. حال به بررسی دقیق‌تر مقاطع فوق می‌پردازیم.

در دوره اول به دلیل عدم استقرار نهادهای سیاسی حاکم، عدم انسجام حکومت مرکزی، تصفیه و وسیع نیروهای نظامی و ضعف قوای مسلح از لحاظ نیروی انسانی - مدیریتی، بی‌تجربگی و خامی مسئولین و چند دستگی انقلابیون سازمان‌های سیاسی که از پیش از انقلاب موجود بوده و در انقلاب هم به نوعی هر چند اندک، همکاری می‌نمودند ادعای سهم خود را می‌نمودند و همچنین توده‌های قومی و مرز نشین نیز ادعای استقلال می‌نمودند و با استفاده از فضای سیاسی و بحران عمده جنگ نظامی که در اواسط این دوره تحمیل می‌شود به بیان خواسته‌ها و ایجاد خشونت در جهت رسیدن به اهداف خود می‌پردازند. به تدریج با استقرار نهادها، تقویت نیروهای نظامی همزمان با آشکار شدن اختلافات پنهان و تشدید تشنج‌های سیاسی که منجر به برخی آشوبها و ترورهای گسترده با طیف متنوع از قربانیان گردید، با سرکوب گروه‌های سیاسی اجتماعی عامل، این تشنجات پایان می‌یابد.

در دوره دوم در سطح بسیار خفیف نسبت به دوره اول ولی باز هم آشکار و متمایز، مطالبات مردم به صورت برخی آشوبها بروز می‌نمود برخی عوامل اجتماعی باعث می‌گردید تا برخی توده‌های مردم به تحریک برخی عوامل دست به حرکات آشکار سیاسی زده باعث ایجاد خشونت سیاسی در سطح محدود گردند. مطالبات پس از جنگ، باز شدن نسبی فضای سیاسی، روی آوردن به سازندگی و تغییر جو حاکم بر کشور، مطالبات اعتقادی برخی گروهها، عدم سرکوب برخی گروهها که شائبه گروه فشار سیاسی ایجاد نمودن حکومت را تقویت می‌نمود و بعضی مشکلات اقتصادی باعث و بنای این اتفاقات گردید. این شورش‌ها با تثبیت جو حاکم بر کشور، بهبود وضعیت اقتصادی، اشتغال و نقش آفرینی برای نیروهای حاضر در جنگ و برخورد پلیسی با این شورشها و ریشه‌یابی امنیتی - اطلاعاتی این گونه حرکات به صورت آرام و با لطافت برطرف گردید.

دوره سوم به اعتقاد برخی صاحب‌نظران با دوم خرداد آغاز می‌گردد البته از انتخابات هفتم ریاست جمهوری به عنوان نقطه عطف در ابتدای این دوران می‌توان



نام برد ولی ریشه‌های آغاز و زمینه‌سازی‌های این دوره را باید اندکی قبل‌تر و با ظهور چهره جدید و شعارهای جدید در عرصه سیاسی کشور دنبال کرد. در این دوره باز شدن ناگهانی فضای سیاسی کشور با هدف توسعه سیاسی و تساهل و تسامح در عرصه فرهنگ که تا پیش از آن بسیار محتاطانه با آن برخورد می‌گردید باعث نوعی چالش و زلزله ناگهانی در میان گروه‌های سیاسی موجود و یا تازه تأسیس گردید. در این دوره شاهد قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه کوی دانشگاه، ترور آقای حجاریان، دادگاه‌های مطبوعات، به راه افتادن موج تازه‌ای در میان مطبوعات و ادبیات سیاسی جدید می‌باشیم. در این دوره به دلیل عدم رشد یافتگی سیاسی و باز نمودن فضای سیاسی در جامعه‌ای که واقعا گنجایش پذیرش این واقعیات را ندارد و توسعه سیاسی به صورت پله پله و به آرامی در آن پیاده نشده است، شاهد درگیری شدید و چانه‌زنی‌های وسیع در بین طیف‌های متفاوت گروه‌های سیاسی می‌باشیم. در این مقطع شاهد ترورهای شخصیتی، تخریب‌های سیاسی، تغییر بسیاری از ارزشها، تظاهرات‌های پیش‌بینی نشده و فاقد مجوز از یک سو و برخوردهای تند و شدید فیزیکی، حمله به تجمعات، قلدری‌های بی‌منطق و بحران‌زایی‌های وسیع از طرف دیگر می‌باشیم.

مهمترین و تأسّف برانگیزترین حادثه این دوره، حادثه کوی دانشگاه تهران در

در دوره‌ی سوم شاهد ترورهای شخصیتی، تخریب‌های

سیاسی، تغییر بسیاری از ارزشها، تظاهرات‌های پیش‌بینی

نشده و فاقد مجوز از یک سو و برخوردهای تند و شدید

فیزیکی، حمله به تجمعات، قلدری‌های بی‌منطق و

بحران‌زایی‌های وسیع از طرف دیگر می‌باشیم

ر ۱۳۷۸ و آشوب‌های پس از آن در منطقه‌های اطراف آن می‌باشد. البته این

انتظامی و راهپیمائی مردمی در حمایت از نظام سیاسی پارادایم حکومتی به سرعت محو گردید ولیکن اثرات وسیعی در صحنه سیاسی گذاشت. پس از این حادثه که تلخ‌ترین حادثه پس از انقلاب در تاریخ گروهها و احزاب سیاسی کشور نام گرفت بحث خط قرمز در فعالیتها، نوع ارتباطات و تعاملات میان گروهی ما بین گروه‌های سیاسی و اتفاق نظر گروهها در اصول اولیه و کلی نظام و سعی در بسزرگ نمودن، واضح‌تر و موجه‌تر کردن آنها و سعی در کمتر نمودن و عدم انتقال این مشکلات در سطح وسیع جامعه و ایجاد بلواهای اجتماعی توسط توده‌ها از نتایج این حادثه سیاسی و تشنج ناگهانی در صحنه کشور بود. به تدریج از فعالیت‌های خشن و تشنج آفرین گروه‌های پنهان که عمدتاً به نام لباس شخصیتها نامیده می‌شدند کاسته شد و تعاملات گروه‌های سیاسی کمتر به حالت خشونت دیده شد. اگر چه هم اکنون نیز رگه‌هایی از این مسائل به چشم می‌خورد.